



فرہنگ نامہ
رحمہ
خوف و

محمدی ری شہری
مرتضیٰ خوش نصیب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه : محمد محمدی ری شهری، ۱۳۲۵ - ۱۴۰۱؛

خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ‌نامه خوف و رجا؛ محمد محمدی ری شهری؛ مرتضی خوش نصیب؛ ویراستار فارسی محمد باقری زاده اشعری؛ ویراستار عربی حسنین دباغ‌پور؛ پژوهشگاه قرآن و حدیث.

مشخصات نشر : قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، مؤسسه انتشاراتی دار الحدیث؛ ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری : ۲۹۶ ص

شابک : ۹۷۸-۹۷-۱۹۷-۶۲۲-۲۰۷-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا یادداشت : فارسی - عربی. یادداشت : کتابنامه. موضوع : موضوع : شناسه افزوده :

خوش نصیب، مرتضی، ؟؟؟-، ترجمه متن

عربی شناسه افزوده : شناسه افزوده : پژوهشگاه

قرآن و حدیث رده بندی

کنگره : BP/۲۵۰/۷ رده بندی

دیویی : ۶۳۲/۲۹۷ شماره

کتابشناسی ملی : ۹۱۳۶۲۱۱ اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

فرهنگ نامہ خوف و رجا

(ترس و امید)

محمد محمدی ری شهری
مرتضی خوش نصیب

فرهنگ‌نامه خوف و رجا (ترس و امید)

محمد محمدی ری‌شهری، مرتضی خوش‌نصیب

مترجم: مرتضی خوش‌نصیب

مصدریاب: رضا بیرانوند، سید محمدحسن مؤمنی

پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۲۸۴

شماره فروست فرهنگ‌نامه‌ها: ۲۲

ویراستار فارسی: محمد باقری‌زاده اشعری

ویراستار عربی: حسنین دباغ‌پور

نمونه‌خوان: علی‌نقی پارسانیا

حروفچین: حسین افخمیان

صفحه‌آرا: مهدی خوشرفتار اکرم

طراح جلد: حسن فرزندگان

ناشر: مؤسسه انتشاراتی دار الحدیث

چاپ: اول، ۱۴۰۲ش

چاپخانه: خانه چاپ جمکران

شمارگان: ۵۰۰

مؤسسه انتشاراتی دار الحدیث: قم، میدان شهدا، ابتدای خیابان معلم، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۳۷۷۴۱۶۵۰ - ۰۲۵ و ۳۷۷۴۰۵۲۳ - ۰۲۵ ص.پ: ۳۷۱۸۵/۴۴۶۸

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

فهرست اجمالی

پیش‌گفتار ۷

درآمد ۹

بخش اول: ترس

فصل اول: تفسیر «ترس از خدا» ۱۹

فصل دوم: ارزش خداترسی ۲۳

فصل سوم: تشویق به خداترسی ۲۹

فصل چهارم: عوامل خداترسی ۳۳

فصل پنجم: جلوه‌های خداترسی ۴۷

فصل ششم: ادب خداترسی ۶۹

فصل هفتم: آثار خداترسی ۷۷

فصل هشتم: خداترسی همه‌آفریدگان ۱۱۵

فصل نهم: آنان که از ترس ایمن اند ۱۲۳

فصل دهم: نکوهش نترسیدن از خدا ۱۴۳

فصل یازدهم: موانع خداترسی ۱۴۵

فصل دوازدهم: تشویق به نترسیدن از غیر خدا ۱۴۷

فصل سیزدهم: مواردی از ترس ناشایست ۱۵۵

فصل چهاردهم: عوامل ترس از غیر خدا ۱۶۱

فصل پانزدهم: موانع ترس از غیر خدا ۱۶۷

فصل شانزدهم: رفتارهای شایسته هنگام ترس از غیر خدا ۱۷۳

بخش دوم: امید

فصل اول: فضیلت امید به خدا ۱۸۳

فصل دوم: فقط به خدا امید داشتن ۱۸۹

فصل سوم: نکوهش ناامید بودن و ناامید کردن از خدا ۱۹۹

فصل چهارم: پرهیز از امید توخالی ۲۰۷

فصل پنجم: عوامل امیدآفرین ۲۱۷

فصل ششم: پیامدهای امید ۲۲۵

فصل هفتم: جلوه‌های امید به خدا ۲۳۹

فصل هشتم: گشوده شدن غیر منتظره پنجره امید ۲۶۱

فصل نهم: امیدبخش‌ترین آیه‌ها ۲۶۵

فصل دهم: تشویق به دل نبستن به غیر خدا ۲۷۱

فصل یازدهم: نکوهش ناامید کردن کسی که به خیر تو امیدوار است ۲۷۳

بخش سوم: ترس و امید

فصل اول: بایسته‌های بیمناکی و امیدواری ۲۷۹

فصل دوم: برکات تعادل میان ترس و امید ۲۸۷

فهرست تفصیلی ۲۸۹

(أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا.^۱)

کسانی که [مشرکان به پرستش] می‌خوانند، آنان خود، وسیله‌ای [برای تقرب] به پروردگارشان می‌جویند، تا هر یک [به او] نزدیک‌تر شوند و به رحمت او امیدوارند و از کیفر او می‌ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، در خور پرهیز است).

خوف و رجا به معنای ترس و امید، اصطلاحی پربسامد در فرهنگ اسلامی است که ناظر به احساس عقلانی انسان خداپاور نسبت به آینده خویش است. امید به رحمت الهی و ترس از عقوبت او، دو سویه اثرگذار بر رفتار انسان هستند که لازم است همراه یکدیگر در وجود انسان نهادینه شوند.

ساختار متعادل و هدفمند «خوف و رجا» در وجود انسان، او را به موجودی شایسته تبدیل می‌کند. امید به اندازه به رحمت الهی، سرمایه‌ای عظیم برای انسان است که عفو پروردگار را در باور وی می‌نشانند و انتظار عاقبت به خیری را در فرد پدید می‌آورد. ترس از جایگاه و کیفر الهی نیز سبب کنترل تمایلات سرکش و تعدیل رفتار افراد می‌گردد.

پیداست که فزونی یا کاستی نامتعادل هر یک از این دو، آثار زیانبار فراوانی را به دنبال می‌آورد.

برخی افراد، گروه‌ها و فرقه‌ها، با استفاده از معیارهای دوگانه و با استناد به دسته‌ای از آیات و روایات و غفلت از دسته دیگر، خوف یا رجا را فزونی بخشیده و کفه دیگر آن را کاهش می‌دهند. در حالی که توصیه قرآن و سنت، دارا بودن احساس میانه‌ای است که در بر دارنده هم‌زمان و متوازن بیم و امید است.

در این میان، فرهنگ‌نامه «خوف و رجا» با جمع‌آوری و ارائه منضبط آیات قرآن و روایات پیامبر گرامی و خاندان رسالت علیهم السلام در صدد بر آمده است تا در نگاهی فراگیر، پاسخگویی به دغدغه‌های مؤمنانه ناظر به این احساس را سامان بخشد.

این مجموعه، یکی از مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث است که با توجه به نیاز جامعه مخاطب، به صورت جداگانه نیز منتشر می‌شود.

رحمت و غفران خداوند متعال بر روان آیه الله محمدی ری‌شهری رحمه الله (بنیان‌گذار مؤسسه دار الحدیث و مؤلف دانش‌نامه قرآن و حدیث) که طراحی این اثر و دیگر مدخل‌های آن با سعی و تلاش فراوان ایشان به انجام رسید.

^۱ اسرا: آیه ۵۷.

تلاش مجدّانه حجّة الإسلام و المسلمین جناب آقای مرتضیٰ خوش نصیب به عنوان یاریگر اصلی این پژوهش و مترجم این کتاب، شایسته قدردانی است.

همچنین وظیفه خود می‌دانم از همه پژوهشگرانی را که در تدوین آثار پژوهشکده علوم و معارف حدیث مشارکت داشته‌اند، سپاس‌گزاری نمایم.

به مدد الهی، دیگر مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث که قابلیت انتشار مستقل دارند نیز در آینده در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهند گرفت.

امید که این اثر، بر معرفت ما و خوانندگان بیفزاید و زمینه عمل به محتوای آیات و احادیث را در روح و جان ما نهادینه کند، بِمَنِّهِ وَ كَرَمِهِ!

سید محمد کاظم طباطبایی

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

۱۴۰۱/۱۱/۹

ترس و امید، برگردان فارسی دو واژه عربی «خوف» و «رجاء» هستند که خمیرمایه اصلی مطالب این کتاب اند. از این رو جا دارد با معنای آنها در منابع لغت‌شناسی و نیز کاربردهای قرآنی و حدیثی آنها، بیشتر آشنا شویم.

خوف و رجا در لغت و متون دینی

واژه‌شناسان تازی، «خوف» را مترادف «فَزَع» یعنی «ترس و دلهره» و «رجاء» را «نقیض یأس» یعنی «امید» معنا کرده‌اند. در این میان، توضیح دو واژه‌پژوه متون دینی یعنی راغب اصفهانی و طریحی، بیانگر آن است که کاربردهای قرآنی و حدیثی این دو تعبیر نیز با کاربردهای عمومی آنها در زبان عربی همسو و هماهنگ هستند. راغب می‌نویسد:

الخَوْفُ: تَوْقَعُ مَكْرُوهٍ عَنْ أَمَارَةٍ مَظْنُونَةٍ أَوْ مَعْلُومَةٍ، كَمَا أَنَّ الرَّجَاءَ وَالطَّمْعَ تَوْقَعُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَمَارَةٍ مَظْنُونَةٍ أَوْ مَعْلُومَةٍ، وَ يَضَادُ الْخَوْفَ الْأَمْنُ، وَ يَسْتَعْمَلُ ذَلِكَ فِي الْأُمُورِ الدُّنْيَوِيَّةِ وَالْآخِرَوِيَّةِ.^۱

«خوف»، انتظار امری ناخوشایند و «رجاء»، انتظار امری خوشایند است که از نشانه‌ای احتمالی یا یقینی نشئت گرفته باشند. نقطه مقابل خوف، امنیت خاطر است و خوف در امور دینی و دنیوی [هر دو] به کار می‌رود.

در متون دینی، افزون بر کلمه «خوف» و «رجاء» واژه‌های دیگری مترادف با هر یک از آن دو، همچون «جبن»^۲ برای نشان دادن مفهوم ترس و «طمع»^۳ برای بیان مفهوم امید به چشم می‌خورد.

نکته‌ای که در این میان باید بدان توجه ویژه داشت، این است که خوف و رجا که کتاب پیش رو بدانها می‌پردازد، دو مفهوم متعارض و ناسازگار نیستند که وجود هر یک مستلزم نفی دیگری باشد؛ بلکه به عکس، وجود هر دو خصلت در کنار هم، اما متعادل و متوازن با هم، امری ضروری است.

با این توجه، آنچه در تقابل و تعارض با رجا و امید مطرح است، نه خوف، بلکه یأس و ناامیدی است.

^۱ مفردات ألفاظ القرآن: مادة «خوف».

^۲ از ملاحظه موارد کاربرد «خوف» و «جبن» چنین بر می‌آید که واژه نخست، در بسیاری از موارد به معنای ترس روا و به جا به کار می‌رود. یعنی شخص یا واقعه، به گونه‌ای است که در تعامل با آن باید هراسناک بود و از بروز زمینه‌های آن خطر پیشگیری کرد، بر خلاف جبن که در معنای بزدلی و ترس نا به جا به کار می‌رود و صفتی ناپسند به شمار می‌آید. با ملاحظه موارد کاربرد «رجاء» و «طمع» نیز می‌توان گفت: رجا غالباً هم‌لنگه خوف و در برابر تعبیر «قنوط» به کار می‌رود که به معنای ناامیدی افراد پر گناه از رحمت خدا است. در حالی که طمع در برابر «یأس» استعمال می‌شود که به معنای ناامیدی ناشی از بی‌انگیزگی برای ادامه زندگی است. تعبیر «القنوط من رحمة الله» و «اليأس من روح الله» که در فصل سوم از بخش دوم این کتاب ملاحظه می‌شود، ناظر به تفاوت دو کاربرد یاد شده ارزیابی می‌گردد.

^۳ طمع در این کاربرد به معنای چشمداشت و امید است و تفاوت دارد با کاربرد دیگر این واژه که به معنای حرص و آز است.

ناگفته نماند یأس و ناامیدی، دو گونه متصور است و از دو منشأ سرچشمه می‌گیرد:

نخست، آن که افرادی خداباور، چنان خود را گرفتار معصیت و نافرمانی پروردگارشان ببینند که برای خویش راه‌گریزی از خشم و کیفر الهی نیابند و در نتیجه در اثر ترس مفرط از خداوند، گرفتار دام یأس از رحمت خدا شوند. اینان، غافل‌اند که با وجود راه توبه می‌توانند با بازگشت و انابه به درگاه خدای مهربان و امید به رحمت و اسعش، نگاه لطف‌آمیز حضرت حق را به سوی خود جلب نمایند.

گونه دوم یأس، آن است که افرادی فاقد خداباوری و بی‌اعتقاد به مبدأ و معاد، با غفلت از حکمت فراگیر خالق متعال، نظام هستی را چرخه‌ای عبث و بی‌حاصل بیندارند. طبیعتاً چنین کسانی انگیزه‌های عقلانی برای زندگی و تحمل فراز و فرودهای آن را ندارند و به سرعت دچار یأس و ناامیدی می‌شوند.

باید دانست آنچه در ادامه به تناسب موضوع و عنوان کتاب، در بخش‌ها و فصل‌های مربوط به رجاء و امید در این کتاب دنبال می‌گردد، رجاء به معنای امید به رحمت پروردگار برای در امان ماندن از خوف و ترس افراطی از خداوند سبحان است و به رجاء در برابر یأس ناشی از بی‌انگیزگی تنها اشاره‌ای خواهد شد. گفتنی است در متون دینی، افزون بر کلمه «خوف»، واژه‌های دیگری نیز برای نشان دادن مفهوم «ترس» به چشم می‌خورند که «جُبْن» تنها یکی از آنهاست.

از ملاحظه موارد کاربرد «خوف» و «جُبْن» چنین بر می‌آید که واژه نخست، در بسیاری از موارد به معنای ترس روا و به‌جا به کار می‌رود؛ یعنی شخص یا واقعه، به گونه‌ای است که در تعامل با آن باید هراسناک بود و از بروز زمینه‌های پدیدار شدن آن خطر پیشگیری کرد، بر خلاف جُبْن که به معنای بزدلی و ترس نابه‌جا است و صفتی ناپسند به شمار می‌آید. گفتنی است کلمه «رجاء» نیز به خاطر داشتن واژگانی مترادف - که کاربردهای متفاوتی دارند - با وضعیتی مشابه «خوف» رو به روست.

گفتنی است این اثر بر آن است تا با ارائه مستقیم آیات و احادیث اسلامی و چینش نظام‌مند آنها، به گونه‌ای که در حدّ توان، نیازی به توضیح و تبیین مطالب نشود، رسالت تبلیغی خود را در باره موضوع کتاب به انجام رساند.

کتاب حاضر از سه بخش اصلی «ترس»، «امید» و «ترس و امید» تشکیل شده است. دو بخش نخست نیز به تناسب مطالب خود، دارای چند فصل اند.

در باره بخش اول با عنوان «ترس»، توجه به این نکته اساسی ضروری است که وقتی در این بخش از ترس و ارزش و فضیلت و آثار و برکات آن سخن می‌گوییم، مقصود، ترس از خدای متعال و جلوه‌های عظمت و شکوه اوست. باید دانست که ترس از خدا در حقیقت به معنای تلاش برای جلب خشنودی پروردگاری است که در نظام گسترده خلقت، انسان را مدار و محور و سرآمد آفرینش قرار داد و به تناسب چنین جایگاه بزرگ انسانی، مسئولیت‌های سترگی را بر عهده او گذارد و از او خواست با اراده و اختیار خود و با به فعلیت رساندن همه استعدادهای خدادادی‌اش، بر کرسی جانشینی خدا در زمین تکیه بزند. در چنین فضایی، ترس از خدا به معنای دلواپسی بنده از درست به انجام رساندن این رسالت و مسئولیت خطیر است.

توضیح بیشتر، این که: ترس از خدا، به معنای بیمی برخاسته از معرفت و شناسایی خداست. بنده اگر کوچکی خود را با عظمت الهی مقایسه کند، آن گاه نظارت و دقت پروردگار را بر تمام کنش‌های خود و ناخشنودی او را از هر عقیده و عمل ستم‌آلود خویشتن باور نماید، بیم و هراسی حقیقی سراسر وجود وی را فرا می‌گیرد؛ ترس و دلهره‌ای سازنده و حرکت‌آفرین برای این که هر چه بیشتر خود و استعدادهایش را شناسایی و فعالسازی کند و با چنین دست‌مایه‌ای در آبادانی زمین و ارتقا و رشد همه بشر در سایه فرمان و آیین الهی بکوشد.

بر این اساس، بیم و خشیت از خداوند، از مقوله علم و دانایی و نه جهل و سردرگمی است. همچنین بیم از خدای سبحان، نه از سر ستمکاری و زورگویی او - نعوذ بالله -، بلکه از سر قصور و تقصیرهای احتمالی و یا حتمی خود بنده است. در واقع، ما از نظارت و عدالت الهی می‌هراسیم که مبادا به خاطر ستمی بر دیگری یا اسراف و کفران نعمتی، سزایمانند کیفر الهی شویم.

بر اساس چنین نگرشی، نخستین فصل کتاب به تفسیر «ترس از خدا» پرداخته است.

در فصل دوم، احادیث متعددی، فضیلت این گونه ترس و بیم را بیان کرده و آن را اوج حکمت، گرد آورنده نیکی‌ها، خوی نیک‌بختان، جامه مؤمنان، مانع آتش و از بهترین عبادت‌ها دانسته‌اند.

با توجه به این ارزش‌ها، فصل سوم به بیمناک بودن از خدا توصیه و ترغیب کرده و فصل چهارم اسباب و راه‌کارهای دستیابی به این فضیلت روحی را نشان داده است که برخی از مقوله علم و حکمت و آگاهی و برخی مانند پرهیزگاری و یاری‌جستن از خداوند، نمودهایی عملی اند.

فصل پنجم، در صدد بیان تجلیگاه بیم از خدا در زندگی است. باید از ایستادن در پیشگاه الهی و نیز از عدالتش، از کفران نعمت‌هایی که بی استحقاق ما به ما بخشیده شده، از فریبکاری همیشگی دنیا، از ستم به خود، از گناه و شبیخون بلای الهی، از فرا رسیدن ناگهانی مرگ، از کیفر زشتکاری‌ها و حضور در جایگاه‌های دشوارگذر آخرت، و از بدفرجامی و عذاب آخرت، واهمه داشت.

فصل کوتاه ششم، به ادب بیمناک بودن یعنی صادقانه و همراه عمل صالح بودن آن اشاره دارد. ویژگی این دو ادب، آن است که بیمناک راستین از خداوند را از بیمناک دروغین متمایز می‌کنند.

فصل بلند هفتم به برکات سازنده خداترسی پرداخته است. بنده ترسان از خدا، مایه مباحث الهی است و خدای رحمان، هدایت و رحمتش را ارزانی اش می‌دارد، دعایش را اجابت و کارهایش را کفایت می‌کند، همه چیز را در چرخه زندگی به پیروی از او وا می‌دارد و وی را در زمین حاکم می‌گرداند، گناهانش را پاک می‌کند و پرهیزگاری و مقام رضا و مهار نفس و بیم نداشتن از مردم را به او عطا می‌نماید. افزون بر این، دلش را جلا می‌دهد و آن را نرم و خاشع می‌گرداند و از فرو رفتن در گمراهی و نادانی و ستمکاری و معصیت و لغو و بیهوده‌کاری باز می‌دارد.

خداترسی موجب می‌شود آدمی به سوی کار نیک بشتابد و شبش را به عبادت و راز و نیاز با معبود بی‌نیاز سپری کند. بنده خداترس، این گونه از عذاب الهی می‌رهد و با امان‌نامه او، از گذرگاه‌های تنگ و سخت قیامت می‌گذرد و به بهشت وارد می‌شود و در افقی بالاتر به رضوان الهی دست می‌یابد که (رضوانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ) ^۱ خشنودی خداوند [از هرچیز] برتر است).

فصل هشتم بر این نکته تأکید دارد که همه هستی، از خداوند بیمناک اند و پرواگر، چه فرشته و چه شیطان، همه مخلوقات، هراس و بیم عظمت خالق خود را در دل دارند.

فصل نهم، کسانی را نام می‌برد که به مقام امن الهی می‌رسند، مانند: امیر مؤمنان علی علیه السلام و پیروانش و نیز مؤمنان پرهیزگار و انفاق‌کنندگان و حافظان کتاب خدا و حاکمان عدالت‌پیشه و....

فصل دهم به نکوهش کسانی که از خداوند بیمی ندارند، پرداخته و فصل یازدهم، علت آن را بر نگرفتن معرفت از چشمه زلال الهی آن و نیز مهر ورزیدن به دنیا دانسته است.

فصل دوازدهم، در بر دارنده آیات و روایاتی است که مردم را به نترسیدن از غیر خدا تشویق می‌کنند.

^۱ توبه: آیه ۷۲.

فصل سیزدهم، شایع‌ترین مواردی را که کسانی از آنها می‌ترسند، ولی شایسته‌ترسیدن نیستند، بر شمرده است. به راستی، چرا هنگامی که همه قدرت‌ها به دست خداست، از فرد دیگر بهراسیم؟ چرا از فقر بترسیم هنگامی که همه گنجینه‌ها نزد خداوند است؟ چرا به جهاد نرویم هنگامی که عمر به دست خداست و شکست و پیروزی، هر دو به نفع ماست؟

فصل چهاردهم، عوامل ترس از غیر خدا را بررسی و از ابتلا و آزمون الهی، کفران نعمت، وسوسه شیطانی، گناه و مردم‌هراسی یاد کرده است.

فصل پانزدهم نیز عواملی را برای مقابله با ترس‌های غیر الهی معرفی کرده است، از جمله: ایمان، پرهیزگاری و یقین. حال اگر به هر دلیلی، کسانی دچار چنین ترسی شوند، باید با خویش‌تنداری و شکیبایی و نماز و توکل بر خدا و دعا و... خود را از چنگال آن ترس نابه‌جا برهانند.

بخش دوم با عنوان «امید» در یازده فصل سامان یافته است.

فصل نخست، در باره فضیلت و ارزش امید به خداوند است و آن، سرمایه مؤمن و نشان خوش‌گمانی به خدا و علامت شیعه بودن دانسته شده است.

فصل دوم، امیدواری را به خدا منحصر کرده و از امید داشتن به غیر خدا پرهیز داده است.

فصل سوم، نومیدی و یأس از خداوند را نکوهش می‌کند.

فصل چهارم، از امید دروغین و توخالی پرهیز می‌دهد.

فصل پنجم، خاستگاه امید در دل و جان ما را نشان می‌دهد؛ این که اهل یقین به عظمت و عنایت الهی باشیم و کرم و عفو الهی را باور کنیم و همواره اینها را از او بخواهیم و دست از طلب بر نداریم.

فصل ششم، به برکات و ثمرات امید به خدا، از جمله: خوش‌بختی، اطمینان و آرامش درونی، کفایت الهی در همه امور و نیل به آرزوها، اختصاص دارد.

فصل هفتم به جلوه‌های امید به خدا می‌پردازد. امید به خدا در امید به رحمت، فضل، عفو، مغفرت و پاداش الهی و نیز در امید به دیدار خدا و شفاعت اولیای او تجلی می‌یابد.

فصل هشتم به سنتی الهی اشاره می‌کند که گاه در بسته بر کسانی همچون متقیان گشوده می‌گردد و از همان جا که امیدی نیست، نور امیدی تأییده می‌شود.

فصل نهم به امیدبخش‌ترین آیه قرآن پرداخته است.

فصل‌های دهم و یازدهم ناظر به این نکته اند که نباید به غیر خدا دل بست و چشم طمع به دست دیگران دوخت، هر چند نباید دیگران را از خود ناامید ساخت و دست رد به سینه درخواست‌کنندگان زد.

بخش سوم با عنوان «ترس و امید» که بخشی کوتاه است، در پی توضیح این نکته است که انسان مؤمن باید هر دو صفت «ترس از خدا» و «امید به او» را در خود داشته باشد و از هیچ یک تهی نباشد. همچنین باید هر دو را به گونه متوازن داشته باشد؛ یعنی چندان بیمناک نباشد که از هر اقدامی بهراسد و دست از عمل بشوید و امیدش چندان زیاد نباشد که به هر معصیتی دست زند و نگران کیفرش نباشد. اگر بنده‌ای بتواند این دو را در خود به وجود آورد و آنها را تا پایان عمر به گونه متوازن نگاه بدارد، به مقام امن الهی می‌رسد و به سعادت ابدی دست می‌یابد.